

وحشت از پیوند اعدام و انفجار معیشتی - شهلا دانشفر

صفحه ۳



چوبه دار را بر سر جانین حاکم خرد کنیم!
نام میدان علیخانی اصفهان در تاریخ مبارزات مردم ایران ثبت شد.

حمید تقوایی، صفحه ۲

علیه موج اعدام‌ها و حکومت کشتار و اعدام در ایران صفحه ۴

بودجه برای ساخت شهرهای حکمرانی زیر زمینی
مهران محبی، صفحه ۷

مقامات حکومت اعتراف می‌کنند:
هزاران نفر را اعدام کردیم اما این اعدام‌ها عملاً راهگشا نبوده است!
اصغر کریمی، صفحه ۴

یورش نیروهای گارد به بند هفت اوین و اعتراض زندانیان و اخباری دیگر صفحه ۸

۱۱ مرداد: تجمعات اعتراضی بازنشستگان در شهرهای مختلف صفحه ۹

**تجمع پاکبانان بابل، پتروشیمی تخت جمشید، گروه ملی فولاد، معدن آهن، کارکنان دو بیمارستان
ایران‌شهر، و خاکسپاری سروش گرمی در سنقر** صفحه ۱۰

ابوالفضل سپاهی و امیرحسین صفری را در برابر چشم مردم اعدام کردند!
درگیری مردم با جلادان، صفحه ۱۲

مدیای اجتماعی

عفو بین‌الملل: موج اعدام معترضان در ایران ابزاری برای سرکوب و ارباب است، صفحه ۹

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۹۴۷

۱۲ مرداد ۱۴۰۵

۳ اوت ۲۰۲۶



دوشنبه ها منتشر میشود

**در معنی واقعی نه به جنگ
یاشار سهندی**
صفحه ۵

**حکومتی در مانده و
تقلای بی‌ثمر**
صفحه ۴

**پایان اعتصاب زندانیان
قزلحصار، و اعتراضات
کارگران رسمی نفت**
صفحه ۶

**کارگران در هفته ای که
گذشت**

تنظیم کننده: کارگر
کمونیست، صفحه ۱۱

**۶ مرداد: تجمع پرستاران
بیمارستان امام خمینی
تهران و اخباری دیگر**
صفحه ۸



حمید تقوایی

چوبه دار را بر سر جانین حاکم خرد کنیم!

نام میدان علیخانی اصفهان در تاریخ مبارزات مردم ایران ثبت شد.

در دیماه ۱۴۰۴ میدان علیخانی اصفهان، مانند میدانی بسیاری از شهرهای دیگر، شاهد کشتار جمعی معترضین بود و امروز در ۶ مرداد ۱۴۰۵ شاهد خروش مردم اصفهان علیه اعدام دستگیر شدگان دیماه، جانین حاکم با بدار آویختن ابوالفضل سپاهی و امیر حسن صفری، دو بازداشتی اعتراضات دیماه، بخیل خود میخواستند در ادامه کشتار دیماه قدرت نداشته شان را به رخ مردم بکشند. اما طوفان درو کردند. مردم قهرمان اصفهان از نیمه شب در میدان علیخانی تجمع کردند و با فریاد بیشرف بیشرف و با هو کردن جلاخان در مقابل این نمایش پوشالی ایستادند. اکنون میدان علیخانی نه مظهر کشتار و سرکوب بلکه نماد مقاومت و تعرض علیه سرکوب و کشتار است. جمهوری اسلامی عزیزان ما را اعدام کرد اما توانست مردم قهرمان اصفهان را مرعوب کند. مردم اصفهان اسلحه اعدام برای رعب را به ضد خود تبدیل کردند. اکنون فضای شهر متشنج و انفجاری است، "اغتشاشگران" بمیدان آمده اند و سرکوبگران به تقلا افتاده اند. اقدامی که قرار بود آخرین نمایش قدرت حکومت علیه معترضین دیماه باشد به نقطه شروع خیزش دیگری تبدیل شود. ماشین کشتار حکومت را باید بر سر جانین حاکم خراب کرد. خیزش میدان علیخانی میتواند و باید چاشنی انفجار خشم و اعتراض مردم در سراسر ایران باشد. میتوان و باید اعدام عزیزی مانند امیرحسن و ابوالفضل را، مانند قتل مهسا، به جنبش توده ای گسترده ای علیه جانین حاکم تبدیل کرد.

فعالین جنبش علیه اعدام، نیروهای آزادیخواه، دست اندرکاران مبارزات میدانی! خیزش مردم اصفهان علیه اعدام عزیزانشان تعرضی در ادامه اعتصابات قزل حصار، سه شبیه های نه به اعدام، تجمعات بازنشستگان با شعار نه به اعدام، و ده ها کارزار و طومار و بیانیه و فراخوان علیه موج اعدامها در داخل و خارج کشور است. بر متن این جنبش عظیم میتوانیم با قدرت متحد خود اعدامها را متوقف نماییم و مجازات اعدام را عملاً ملغی کنیم. همانطور که سنگسار را عملاً متوقف کردیم و همانطور که خاکریز حجاب را فتح کردیم، چوبه دار را هم بر سر حکومت خرد خواهیم کرد. هر یک مورد اعدام میتواند و باید چنان برای جلاخان حاکم پرهزینه شود که جرات نکنند به این جنایت ادامه بدهند.

مبارزه علیه اعدامها عرصه مهمی از مبارزه برای سرنوشت کل حکومت کشتار و اعدام جمهوری اسلامی است. با تجمعات خیابانی، با شعاردهی های شبانه، با دست از کار کشیدن و اعتصاب با خواست توقف اعدامها و لغو مجازات اعدام، و با بسیج افکار عمومی جهانی و نیروهای آزادیخواه و نهادها و سازمانهای مدافع حقوق بشر در سراسر جهان، ماشین کشتار حکومت را در هم خواهیم کوبید و جانین حاکم را بر زیر خواهیم کشید.

پیروزی از آن ماست!

حمید تقوایی - ۶ مرداد ۱۴۰۵، ۲۸ ژوئیه ۲۰۲۶

علیه موج اعدامها و حکومت کشتار و اعدام در ایران

جمهوری اسلامی موج تازه ای از سرکوب، بازداشت و اعدام به راه انداخته است. از شروع سال میلادی تا کنون نزدیک به ۴۲۰ نفر اعدام شده و تعداد زیادی حکم اعدام گرفته اند و هر هفته تعدادی از آنان به دار آویخته می شوند. اعدام شدگان و محکومین به اعدام از معترضین دیماه، فعالین مدنی و سیاسی و متهمین جرایم عادی از جمله جرایم مربوط به مواد مخدر هستند. تعدادی از فعالینی که اعدام شده و یا حکم اعدام گرفته اند در بیدادگاه های حکومت به ارتباط با احزاب و گروه های مخالف حکومت و جاسوسی برای اسرائیل و یا همکاری با "دشمن" متهم شده اند! زندانیان قزلحصار در اعتراض به اعدام هم بندیان خود و گسترش این اعدامها دست به اعتصاب غذا زده و در زندان دستگرد اصفهان نیز تعداد زیادی از جوانانی که در دیماه خونین ۱۴۰۴ دستگیر شده اند به اعدام محکوم شده و حکومت اعدام آنها را آغاز کرده است.

دلیل اینهمه اعدام و سرکوب برای همه مردم روشن است: ترس از خیزش مردم خشمگین و معترض و تلاش برای مرعوب کردن جامعه و جلوگیری از سربلند کردن مجدد مردم. حکومت از هر نظر در بحران است و کوچکترین راه حلی برای تخفیف این بحرانها ندارد و تنها راه دوام حکومت نکبت بار و فاسد خود را در تشدید سرکوب و اختناق و اعدام جستجو می کند.

در مقابل این چرخه جنایت باید با تمام قوا ایستاد. اعدام دو تن از جوانان دستگیر شده در دیماه ۱۴۰۴ در ملا عام در میدان علیخانی اصفهان برگ دیگری از پرونده سیاه جانین حاکم، و تجمع شبانه شمار بسیاری از مردم اصفهان در اعتراض به این جنایت نقطه اوج تازه ای در جنبش گسترده علیه اعدام در ایران بود. این جنبش را باید گسترده تر و قویتر کرد.

ما امضا کنندگان این فراخوان جمهوری اسلامی را شدیداً محکوم می کنیم و خود را متعهد می دانیم که با تمام قوا علیه این اعدامها بایستیم و از زندانیان و اعتراضات آنها قاطعانه حمایت کنیم. از همه مردم آزاده در ایران و در خارج کشور می خواهیم با اعتراض متحدانه و یکپارچه صف محکم و گسترده ای علیه اعدام تشکیل دهیم، سراغ افکار عمومی و همچنین نهادهای بین المللی از جمله سازمان ملل و پارلمان اروپا برویم و از آنها بخواهیم دست به اقدام سیاسی قاطعی علیه جمهوری اسلامی بزنند و برای پایان دادن به اعدام قاتلان حاکم بر ایران را تحت فشار قرار دهند.

زمان اتحاد و اقدامات بزرگ و موثر است. احکام اعدام و مجازات اعدام باید فوراً لغو و زندانیان سیاسی فوراً و بی قید و شرط آزاد شوند.

ما سازمان ها و احزاب امضا کننده این متن، علیرغم اختلافات و تأکیدات متفاوت در برخی زمینه های سیاسی، در مبارزه علیه اعدام و برای آزادی زندانیان سیاسی به توافق رسیدیم که بطور مشترک اقدام کنیم.

امضاها:

حزب چپ ایران

حزب حیات آزاد کردستان (پژاک)

حزب دموکرات آذربایجان

حزب کمونیست کارگری ایران

حزب کومه له زحمتکشان کوردستان ایران

حزب کومه له کردستان ایران

حزب مردم بلوچستان

کنگره مشترک جمهوری خواهان دموکرات و فدرال دموکرات



در موردی دیگر فاضل میبدی، عضو مجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه قم، در متن اختلافات درون حاکمیت بر سر "جنگ یا مذاکره"، ضمن پریدن به مخالفین جناح طرفدار مذاکره بعنوان مانعی برای رفع مشکلات و پرسش اینکه چرا حکومت به جای افزایش اعدام‌ها، به حل مشکلات فقر، تورم، بیکاری و بحران زندگی جوانان نمی‌پردازد.

در آخر نیز درخواستش از قوه قضاییه و کل حاکمیت اینست که آمار اعدام‌ها را بالا نبرند. و هشدار داده و میگوید: "قیمت نان که به ۵۰ هزار تومان برسد، هر مصیبتی در پی دارد. (جایی که سفره خالیست ایمان نخواهد آمد)..."

فاضل میبدی خود بخشی از همین ساختار سیاسی و عنصری از همین سیستم است و مخالفتی هم با اعدام ندارد. او از کاهش آمار اعدام سخن می‌گوید، چون الگوی اصفهان مقابل خود دارد. چون اعتصاب ۱۵۰۰ زندانی قزلحصار را دیده است. و چون بیانیه‌های کارگران و بخش‌های مختلف جامعه را می‌بیند که دارند از پیمان آوریل علیه اعدام می‌گویند. و کارگر نفت نیز در بیانیه اش مینویسد: "علیه اعدام و سرکوب، علیه نابودی معیشت، دست از کار بکشیم!". وحشت فاضل میبدی و حکومتیان از پیوند اعدام و انفجار معیشت است.

الگوی اصفهان را باید در سطح سراسری تکثیر کرد. زنده باد مردم اصفهان..

وحشت از پیوند اعدام و انفجار معیشتی - شهلا دانشفر

اعدام ابوالفضل سپاهی و امیرحسین صفری، دو تن از معترضان دی‌ماه و از متهمان پرونده معروف به «میدان علیخانی»، در ملاعام در اصفهان، نقطه عطفی در روند اعدام‌های جمهوری اسلامی بود.

هدف حکومت از اجرای این اعدام‌ها در ملاعام، گسترش فضای رعب و ارباب و عقب راندن اعتراضات اجتماعی بود. اما حضور گسترده مردم، همراه با خانواده‌های محکومان به اعدام، در نیمه‌شب ششم مرداد در میدان علیخانی برای جلوگیری از اجرای حکم، معادله را برهم زد. مردم اصفهان با حضور و اعتراض خود پاسخی قاطع به حکومت دادند و این اقدام حکومت عملاً به ضد خود تبدیل شد.

آن شب، هم‌زمان با طنین اذان منحوس، این دو جوان به دار آویخته شدند و هم‌زمان مردم به خیابان آمدند، با نیروهای حکومتی درگیر شدند، آنان را هت کردند و فریاد "بی‌شرف، بی‌شرف" در فضای میدان و خیابان طنین انداخت.

فراخوان تجمع نیمه‌شب ششم مرداد را خانواده‌های محکومان به اعدام اصفهان داده بودند و در مدت کوتاهی توانستند جمعیت قابل توجهی را گرد هم آورند. بدین ترتیب، "میدان علیخانی" به نامی ماندگار در تاریخ مبارزه علیه اعدام تبدیل شد و مقاومت مردم، برگ تازه‌ای از مبارزات اجتماعی علیه اعدام و سرکوب را رقم زد.

این اعتراض، تجربه‌ای ارزشمند برای جامعه در مقابله با ماشین سرکوب و اعدام جمهوری اسلامی است. تجربه میدان علیخانی نشان داد که هر جا حکومت چوبه دار برپا می‌کند، با نقش آفرینی خانواده‌های محکومان میتوان به حمایت گسترده مردمی شکل داد و هزینه اجرای اعدام را افزایش داد و در برابر سیاست ارباب ایستاد. همان‌گونه که خانواده‌های محکومان به اعدام در اصفهان توانستند مردم را با خود همراه کنند، در دیگر شهرها نیز می‌توان با فراخوان‌های مشابه و تجمع در برابر زندان‌ها، از محکومان به اعدام حمایت گسترده‌تری سازمان داد.

اعتراض گسترده ششم مرداد در میدان علیخانی و تلاش مردم برای نجات جان دو جوان محکوم به اعدام، آنچنان بازتابی در سطح جامعه و بین المللی داشت که بیش از پیش به نگرانی حکومت از گسترش اعتراضات در سطح جامعه شدت داد. نشانه‌های این نگرانی را حتی در اظهارات برخی از چهره‌های حکومتی نیز می‌توان مشاهده کرد.

از یک سو، صداوسیما جمهوری اسلامی هنگام گزارش اعدام‌های میدان علیخانی ناگزیر شد به کارزار "نه به اعدام" اشاره کند و مجری برنامه سخن خود را با این جمله آغاز کرد که «هشتگ نه به اعدام، هشتگ خوبی است، اما.....».



سه زندانی محکوم به اعدام
به نجات جان‌شان بشتابیم





همین درجه عقب‌نشینی را می‌توانیم به عقب‌نشینی‌های بیشتر تبدیل کنیم. جنبش علیه اعدام وسیع و گسترده است و هر روز ابعاد تازه‌تری بخود می‌گیرد و رژیم علیرغم اینکه بیش از پیش به جان معترضان افتاده اما همزمان وحشت را می‌توان به خوبی مشاهده کرد. باید اعتراض علیه هر نوع اعدام، از پرونده مواد مخدر تا اعدام معترضین و فعالین سیاسی را در داخل و خارج گسترش دهیم و این ماشین آدمکشی را فلج کنیم.

سیاسی و مخالفان می‌تواند قدرت نمایی کند؟! این نمایش قدرت بی‌اندازه پوشالی و توخالی است.

با اینحال پاسخ ما به جمهوری اسلامی کوبنده و محکم است. نه تهدید، نه احضار و نه فشار بر خانواده‌ها و نه هیچ اقدام مذبحانه دیگری، هیچ‌یک قادر نخواهد بود عزم حزب کمونیست کارگری ایران و مبارزان راه آزادی، برابری و رهایی را متزلزل کند. این اقدامات تنها بر انزوای سیاسی جمهوری اسلامی خواهد افزود و اراده مبارزه برای پایان دادن به این حکومت سرکوبگر را استوارتر خواهد کرد.

عوامل رژیم در وزارت اطلاعات و دیگر نهادهای سرکوبگر جمهوری اسلامی بهتر است به جای ادامه این تقلاهای بی‌ثمر و تلاش‌های مذبحانه، به فکر آینده خود باشند و پیش از آنکه دیر شود، صفوف این حکومت را ترک کنند.

کسانی که امروز در خدمت دستگاه سرکوب جمهوری اسلامی هستند، باید بدانند که مسئولیت اقدامات خود را نمی‌توانند از سر باز کنند و فردا باید در مقابل دادگاههای عادلانه جوابگو باشند!

حزب کمونیست کارگری ایران-۹ مرداد ۱۴۰۵-۳۱ ژوئیه ۲۰۲۶

اصغر کریمی: مقامات حکومت اعتراف می‌کنند:

هزاران نفر را اعدام کردیم اما این اعدام‌ها عملاً راهگشا نبوده است!

رئیس کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس اعتراف کرد که در جلسات متعددی که با دستگاه‌های مختلف چه در دولت چه در قوه قضائیه داشتیم به این رسیدیم که «مجازات اعدام نقش کارگشایی در زمینه مواد مخدر نداشته است و هشت بند مربوط به این موضوع باید با رویکرد کاهش اعدام بازنگری شود.»

جمهوری اسلامی بعنوان یک قاتل زنجیره‌ای، و بعنوان بزرگترین قاتل، سالانه صدها نفر از متهمین مواد مخدر را اعدام کرد. تنها در سال ۲۰۲۵ حداقل ۷۹۵ متهم مواد مخدر به دار آویخته شدند و حالا پس از کشتن هزاران نفر از این قربانیان در ده‌ها سال گذشته، یعنی بدنبال جنایتی عظیم و با داغدار کردن هزاران خانواده، اعتراف می‌کنند که جنایاتشان در حق این مردم راهگشا نبوده است.

قاتلان اما اعدام معترضین را تحت عنوان کودتاگر و بیرحم! و عوامل دشمن شدت داده‌اند و حالا که سر و صدای جامعه و حتی اصلاح‌طلبان حکومتی هم درآمده است اعلام می‌کنند که این سر و صداها طرفداری از کودتاگران است و برای آنها نیز اعلام کرده‌اند که پرونده درست می‌کنند. این نیز اعترافی به خشم جامعه و گسترش اختلاف در خود صفوف حکومت است.

عقب‌نشینی حکومت در زمینه اعدام محکومین مواد مخدر، که البته هنوز در سطح وعده و وعید است، یک حقیقت مهم را به همه مردم نشان داد که اعتراض نتیجه می‌دهد. که حکومت چنان در موقعیت شکننده و بحرانی و بهم ریخته قرار دارد که مجبور می‌شود تن به عقب‌نشینی بدهد و در پیشگاه جامعه به شکست خود اعتراف کند.

حکومتی در مانده و تقلاهایی بی‌ثمر

در هفته‌های اخیر، وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی با احضار بستگان و اعضای خانواده چند تن از کادرهای شناخته‌شده حزب کمونیست کارگری ایران در خارج، کوشیده است این پیام را به رفقای ما منتقل کند که فعالیت‌های آنان را به‌طور مستمر زیر نظر دارد و می‌تواند از طریق آزار و ارباب خانواده‌ها بر آنان فشار وارد کند.

این نه اقتدار، بلکه نشانه ضعف و درماندگی رژیمی است که در سرآشویی سقوط قرار گرفته است.

این تقلاها از سوی رژیمی صورت می‌گیرد که بیش از هر زمان دیگری درمانده، مستأصل و دچار بحران است. حکومتی که با مرگ خامنه‌ای هیچگونه انسجامی ندارد؛ شکاف‌ها و کشمکش‌های درون حاکمیت هر روز عمیق‌تر می‌شود و جناح‌های مختلف آن آشکارا به جان یکدیگر افتاده‌اند و هر یک ساز خود را می‌زنند. حکومتی که حتی بر رسانه رسمی خود نیز تسلط کامل ندارد، رژیمی که این دست به آن دستش می‌گوید غلط نکن، به عبث فکر می‌کند با احضار خانواده‌های فعالین

زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی!

میگویند شعار ما سه جزء دارد و مدعی هستند ما تنها نمی گوییم نه به جنگ، بلکه میگوییم: «سرنگون باد جمهوری اسلامی»، زیرا این حکومت باید با نیروی مردم سرنگون شود، نه با بمب افکن‌های آمریکا و اسرائیل. "سوال اینجاست آمدیم شرایط جنگ به گونه ای شد و جمهوری اسلامی" با بمب افکن‌های آمریکا و اسرائیل "سرنگون شد. چکار میکنید؟ "سرنگونی" را محکوم میکنید؟ یا به افشای "امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم" ادامه میدهید؟

جمهوری اسلامی یادآوری کنند. شعار مشخص "جنگ افروزی کافیه، سفره ما خالیه" شعار واقعی جامعه نه به هر دو سوی جنگ، بلکه به یک سو و آن هم جمهوری اسلامی است که باعث و بانی شرایط امروز ایران و بخصوص جنگ اخیر است.

برای برخی اما شعار نه به جنگ، فرصتی است برای امکان اثبات اینکه از ایشان کسی بهتر و قاطعتر علیه امپریالیست "موضع" نمی گیرد. یکی از ایشان در دفاع از شعاری که مورد نقد قرار گرفته است نوشته است: "نه به جنگ"، زیرا این جنگ، جنگ مردم برای آزادی نیست؛ جنگ دو قطب ارتجاع است. "اما وقتی میخواهند آنرا تبیین کنند تمام حرف شان محکوم کردن یک طرف این "جنگ ارتجاعي"، یعنی آمریکا و اسرائیل است. درباره طرف دیگر جنگ، با گفتن اینکه "جمهوری اسلامی تکلیفش روشن است!" از آن میگذرند. اما یک تاریخ کامل از "مداخلات امپریالیستی" آمریکا در یک قرن گذشته را برای مخاطب شان تشریح میکنند. بعد مدعی اند ما علیه هر دو طرف هستیم! هر چند امکانش نیست ولی بی شک اگر در جایی مانند صف نانوائی که شرحش بالاتر ذکر شد، همین حرفها را تکرار کنند، اصلا بعید نیست که مردم از خرید نان منصرف شوند!

میگویند شعار ما سه جزء دارد و مدعی هستند ما تنها نمی گوییم نه به جنگ، بلکه میگوییم: «سرنگون باد جمهوری اسلامی»، زیرا این حکومت باید با نیروی مردم سرنگون شود، نه با بمب افکن‌های آمریکا و اسرائیل. "سوال اینجاست آمدیم شرایط جنگ به گونه ای شد و جمهوری اسلامی" با بمب افکن‌های آمریکا و اسرائیل "سرنگون شد. چکار میکنید؟ "سرنگونی" را محکوم میکنید؟ یا به افشای "امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم" ادامه میدهید؟

اولین سوال در همین شرایطی برای کسی که خودش را کمونیست میدانند این است که ما باید چگونه عمل کنیم که این سرنگونی به نفع مردم تمام شود، و قدرت به بخشی دیگر از بورژوازی منتقل نشود. چکار باید کرد که جلو روند بازسازی یک حکومت سرکوبگر جدید را گرفت. چگونه باید اعمال قدرت کرد و برای بدست گرفتن قدرت اقدام کرد؟

اما برخی میترسند در تاریخ بنویسند مثلاً یک حکومت چپ گرا در پی جنگ میان جمهوری اسلامی و آمریکا و اسرائیل به قدرت رسید؟ به یک نمونه تاریخی توجه کنیم بیشتر موضوع اهمیت پیدا میکند. فکر کنید لنین میخواست در تاریخ خوشنام بماند و به جای رفتن با قطاری دربست که امپراطوری آلمان در اختیارش گذاشت در همان سوئیس می ماند تا شرایط فراهم شود!

اما در جزء سوم مدعی اند: "زنده باد انقلاب اجتماعی"، زیرا آزادی نه از لوله موشک‌های ترامپ و نتانیاهو، بلکه از تصرف قدرت سیاسی توسط مردم و طبقه کارگر بیرون می‌آید. "بزک نمیر بهار میاد و گُمبزه با خیار میاد!" این جز سوم شعار ایشان، انقلاب جاری در سطح جامعه را نادیده میگیرد، بعد

در معنی واقعی نه به جنگ - یاشار سهندی

صبح یکشنبه، ۱۱ مرداد، صف برای خرید نان شلوغتر از همیشه بود. خیلی زود مشخص شد طویل شدن صف بخاطر نگرانی از "حمله بزرگ" آمریکا بود. اما بعد به سرعت مشخص شد ترامپ دستور لغو حمله را داده و به "دیپلماسی فرصت دوباره" داده است. "با لعنت فرستادن به جمهوری اسلامی که "زندگی را بر همه حرام کرده است،" جو کمی آرام شد. در عین حال خشم و غضب مردم را میشد حس کرد وقتی دو مرد میانسال (از بسیجی های محل که هر شب در پنج ماه گذشته با راهپیمایی مسلحانه روی اعصاب مردم محل راه میروند) در این صف طولانی بلند بلند از مشکلات خود در مسیر رفت و برگشت مراسم اربعین صحبت میکردند. گویی قصد داشتند حاکمیت خود را اثبات کنند! دنبال نفس کش میگشتند! یک مرد از این میان، همینکه یکی از این دو بسیجی به نان های او که روی میز جلو نانوائی برای سرد شدن پهن شده بود، دست زد، با فریاد زدن خشم خود را سر آنها نشان داد. و چنان داد کشید که گنجشکههایی که روی درخت نشسته بودند همگی به پرواز درآمدند! این پایان یک هفته پر اضطراب بود، و ادامه زندگی تحت حاکمیت حکومت اسلامی تبهکار.

در هفته گذشته از یک سو جمهوری اسلامی با ادامه اعدامها، بخصوص اعدام دو جوان در ملاعام در اصفهان بر روح و روان مردم جنگ بیشتری انداخت، و از سوی دیگر با موشک پرانی، "سیخ در لانه زنبور" کرده و خطر گسترش جنگ را بار دیگر به شدت افزایش داده است. جمهوری اسلامی در تلاش است از جنگ مانده آسمانی بسازد، تا شاید بتواند در پناه آن با قتل و عام زندانیان سیاسی و غیر سیاسی و با ایجاد ارباب و وحشت، جامعه را کنترل کند. اما خشم مردم اصفهان بر علیه اعدام آن دو جوان جوابی قاطع بر این سیاست کثیف حکومت اسلامی بود. اقدام اعتراضی علیه اعدام در اصفهان نشان داد، خشمی که در جامعه علیه حکومت اسلامی تلنبار شده است دنبال روزنه ای میگردد که دوباره فوران کند.

جمهوری اسلامی با کشتن زندانیان با طناب دار در پی آن است که ترس را بر جامعه بگستراند، اما همینکه پیکر اعدامیان را به خانواده ها تحویل نمیدهد و خود میرد در دور افتاده ترین روستاها دفن میکند تا از هر گونه تجمعی جلوگیری کرده باشد، نشان میدهد که چقدر از خشم و نفرت مردم وحشت دارد.

در یک هفته گذشته به مانند یک ساله گذشته، برخی رسانه ها همصدا با جمهوری اسلامی برای "جنگ بزرگ" بی تابی میکردند. همه کارشناسان امنیتی و نظامی را احضار کردند که اطمینان دهند که زیر ساختهایی مانند نیروگاههای انرژی را باید زد چون "استفاده دو گانه" دارد! و وقتی مجبور شدند خبر لغو عملیات را منتشر کنند، دوباره لب و لوجه هایشان آویزان شد، و گفتند: "بالاخره کاری که ترامپ اول جنگ عملیاتی میکرد، آخر سر باید انجام دهد." و بدین گونه منتظر تماشای وضعیتی هستند که آوار مصیبت تکمیل شود و بقول خودشان "ایران در تاریکی فرو رود!" از سوی دیگر عریده کشتهای جمهوری اسلامی هم در تجمعات مسلحانه شبانه خویش، منتظر همچین وضعیتی هستند که زندگی مردم را در داخل و در منطقه به آتش بکشند.

"جنگ افروزی" رژیم اسلامی سرمایه سبب تشدید خشم و نفرت مردم شده است. در این جنگ افروزی بخشی از اپوزیسیون سلطنت شریک جرم هستند. ایشان وقتی بی بی و عمو ترامپ بمباران میکنند، با تنکیو گفتن و قر کمر به جشن و شادمانی مشغول میشوند؛ از سوی دیگر مزدوران سرکوبگر جمهوری اسلامی با شلیک هر موشک و پهپاد جمهوری اسلامی با الله اکبر گفتن شان با ایشان همراهی میکنند. بطور واقعی شعار مردم "نه به جنگ" است. و تحقق این "نه" را در سرنگونی جمهوری اسلامی میدانند. و از هر فرصتی استفاده میکنند که این حکم خود را به



خود علیه سقف حقوق و دیگر تعرضات معیشتی به زندگی خود و بی پاسخ ماندن مطالبات اعلام شده شان، با در دست گرفتن بنرهای دست به تجمع زدند.

اهم مطالبات کارگران رسمی نفت عبارتند از: حذف سقف حقوق در تمامی بخش‌های عملیاتی نفت، عدم تفکیک مشاغل به تخصصی و پشتیبانی بعنوان عامل ایجاد تفرقه و تحقیر کارگران نفت، اعمال و اثر بخشی آیتم ترمیم حقوق به کلیه مؤلفه‌های پرداخت، حذف کامل سقف بازنشستگی و پرداخت کامل سنوات کارگران، عدم ادغام صندوق بازنشستگی نفت با سایر صندوق‌های ورشکسته بازنشستگی، اصلاح کف حقوق برای کارگران جدیدالاستخدام، بازگرداندن مالیاتهای کسر شده اضافی در سال‌های اخیر طبق قوانین موجود، اجرای کامل ماده ده و پرداخت معوقات آن از سال ۹۳ و...

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت و ارکان ثالث ضمن انعکاس خبر این حرکت اعتراضی، همکاران خود در تمامی بخش‌های نفت را به اعتراضی متحد علیه وخامت هر روزه شرایط معیشتی فراخواندند.

حزب کمونیست کارگری ایران-۷ مرداد ۱۴۰۵، ۲۹ ژوئیه ۲۰۲۶

پایان اعتصاب زندانیان قزلحصار، و اعتراضات کارگران رسمی نفت

پایان اعتصاب غذای زندانیان واحد ۲ قزلحصار

روز گذشته ششم مرداد ماه ۱۵۰۰ زندانی واحد ۲ زندان قزلحصار کرج پس از ۱۶ روز اعتصاب غذا، در پی وعده مسئولان قضایی مبنی بر توقف اجرای احکام اعدام زندانیان محکوم به جرائم مواد مخدر، به اعتصاب خود پایان دادند. جمهوری اسلامی زیر فشار اعتصاب این زندانیان و تحرک گسترده‌ای که علیه اعدام و در حمایت آنان شکل گرفت ناگزیر به دادن چنین وعده‌ای شد. زندانیان قزلحصار در مهر ماه گذشته نیز چنین اعتصابی را علیه اعدامها بر پا کرده بودند و همین وعده‌ها به آنها داده شد. اکنون این زندانیان با چنین تجربه‌ای اعلام کرده‌اند که مشروط به عملی شدن وعده مقامات قضایی به اعتصاب خود پایان میدهند و اگر اجرایی نشد دوباره اعتراضشان را از سر خواهند گرفت.

اعتصاب زندانیان قزلحصار از ۲۲ تیرماه بدنبال انتقال شماری از محکومان به سلولهای انفرادی برای اجرای حکم آغاز شد. اعتراض این زندانیان آنچنان تحرکی در جنبش علیه اعدام ایجاد کرد که بار دیگر جلادان جمهوری اسلامی وادار به دادن وعده و وعید شد.

روز گذشته نیز همراه با ادامه کارزار سه شنبه‌های نه به اعدام در ۵۹ زندان کشور، تجمعی اعتراضی علیه حکم اعدام در مقابل زندان لاکان رشت برگزار شد.

اعتصاب زندانیان قزلحصار، اعتراض شجاعانه مردم اصفهان در روز گذشته برای ممانعت از اعدام دو جوان محکوم به اعدام در میدان علیخانی و اولتیماتوم دادن‌های کارگران به اعتصاب در برابر اعدامها نقطه عطف جدیدی در جنبش علیه اعدام ایجاد کرده است.

اعتراض و تجمع کارگران رسمی مناطق عملیاتی جنوب

طبق گزارشات منتشر شده روز گذشته ۶ مرداد کارگران رسمی در حوزه عملیاتی پارس یک (عسلویه) و سکوهای دریایی نفت و گاز پارس در ادامه اعتراضات قبلی

از صفحه ۵

در معنی واقعی نه به جنگ ...

وعده یک "انقلاب اجتماعی" را میدهند. "انقلاب اجتماعی" که قاعدتا امری مربوط به همه اجتماع است. بدین ترتیب در همین توضیح کوتاه مردم را در مقابل طبقه کارگر قرار میدهند. مردم یک سو هستند و طبقه کارگر سوی دیگر که با هم همکاری خواهند کرد تا انقلاب اجتماعی صورت بگیرد! البته شنیدن و خواندن این حرفها از سوی ایشان هیچ عجیب نیست. در بیانیه‌ای از این عزیزان که خود را کمونیست و چپ میخوانند آمده است که "جنبش کارگری مدعی قدرت سیاسی" باید به میدان بیاید و ایشان هم کاری ندارند جز مشاوره!

بعد در همین توضیح مختصر جزء سوم شعارشان، انقلاب اجتماعی را که قاعدتا منظور این است که در همه زمینه‌ها قرار است تحولات بنیادین صورت بگیرد به آزادی تقلیل میدهند که البته واضح و مبهرن است که آزادی از "لوله (!) موشک‌های ترامپ و تانیاها" بیرون نخواهد آمد. آزادی لازمه اعمال قدرت توده‌های مردم بواسطه انقلاب است. آزادی بعد از پیروزی یک انقلاب محقق نمی‌شود، پیش از آن و لازمه یک انقلاب است؛ که در جریان آن، مردم همه قید و بندهای حکومت دیکتاتوری را زیر پا میگذارند و هر چه ممنوعه است را آزاد میکنند. تنها اتفاقی که باید بعد از تصرف قدرت سیاسی رخ دهد این است که آزادی، آزادی اعمال اراده توده

مردم، شکل قانون بخودش بگیرد.

در همین شرایط حاکمیت جمهوری اسلامی داریم تجربه میکنیم با قدرت انقلاب زن زندگی آزادی، اولین خاکریز حکومت، "سنگر حجاب" سقوط کرده است. که این روزها، کاربدستان حکومت اسلامی به اقرار خودشان دارند از این بابت خون گریه میکنند. اما برخی با شعار سه جزیی شان باور ندارند که انقلابی در عمق جامعه جاری است که در سال ۱۴۰۱ بروز خیابانی یافت و دستاوردهای مهمی داشته است. برای همین نقد را ول کرده‌اند و وعده نسیم میدهند.

نه به جنگ را مردم بطور واقعی در زندگی روزمره شان دارند معنی میکنند. این مردم دشمن خود را در همین جا نشانه گرفته‌اند. بمبهایی که بدستور ترامپ و تانیاها بر سر مردم آوار میشود، وحشتی که جنگ تو دل مردم میکارد، هیچ جای گفتگو ندارد؛ و با وجود اذعان اکثریت اهالی مردم که میگویند: "میان سه تا دیوانه گرفتار شدیم"، اما حرف اصلی شان و جنگ اصلی شان و انقلاب شان علیه جمهوری اسلامی است. چون به درست باور دارند اگر جمهوری اسلامی نبود این شرایط هم بر زندگی شان حاکم نبود.

معنی واقعی نه به جنگ، یعنی باید تمرکز همه فعالیت‌های سیاسی و حزبی فعالان سیاسی علیه جمهوری اسلامی باشد، چون تنها با سرنگونی این حکومت است که جنگ جاری خاتمه خواهد یافت.

بودجه برای ساخت شهرهای حکمرانی زیر زمینی

مهران محبی



استان ها را اولویت بندی کنیم و بودجه جنگی تهیه کنیم."

این یعنی اگر تا حالا شهرهای حکمرانی مجلل برای خامنه ای و سران و سرداران رده بالای حکومتی در تهران ساخته شده اند، از امروز باید سریعاً برای حفظ جان مقامات و مدیران و فرماندهان در رده های استانی و شهرستانی و خانواده های آن ها هم شهرهای زیر زمینی ساخته بشوند.

چهل و هفت سال است که رابطه حکومت با جامعه بر همین منوال بوده است. چهل و هفت سال است که مردم را به انواع روش ها از غصب سرمایه ها و اموال عمومی گرفته تا زدن از حقوق بخش های مختلف طبقه کارگر چپاول کرده و برای گسترش نفوذش در منطقه از طریق تروریست های وابسته به خود و پیش بردن پروژه های هسته ای و نظامی و ریختن پول های نجومی به خلق سران و مزدوران حکومتی و همچنین برای ساخت شهرهای زیر زمینی صرف کرده است. ولی در مقابل، سهم مردم طی این ده ها سال همواره فقر و ناداری و ناامنی روزافزون و نرم ترین شیوه پاسخ مسئولان جنایتکار رژیم به خواست جامعه همیشه دروغ و ریاکاری بوده است. بر این اساس است که بعد از ۵ ماه از جنگ ۳۹ روزه هنوز به جای پرداخت خسارات وارده بر خانواده هایی که خانه و وسائل زندگی و ماشین خود را از دست داده اند، همچنان وعده بی عمل می دهند و دولت به شرکت های بیمه پاس می دهد و بالعکس. دولت می گوید شرکت های بیمه ای باید خسارات را پرداخت کنند و شرکت های بیمه ای هم می گویند جبران خسارات ناشی از جنگ در تعهدشان نیست و در این میان آسیب دیدگان هستند که در بدترین شرایط روحی و روانی، بدترین شرایط زندگی از نظر مادی و عدم برخورداری از نیازهای ضروری مانند خانه و وسائل منزل را تجربه می کنند.

اما در این شرایط فقط آن بخش از مردم نیستند که به خاطر ویران شدن خانه و کاشانه شان آسیب دیده اند، هزاران نفر دیگر کشته یا ناقص العضو شده اند و همانطور که اشاره شد صدها هزار کارگر و کسانی که از طریق اینترنت امرار معاش می کردند، کار و منبع درآمد خود را از دست داده و به جمع میلیون ها بیکار جامعه پیوسته اند. این جمعیت چندین میلیونی باید فوراً جبران خسارت شوند و تحت بیمه کامل قرار گیرند و زندگی شان تأمین گردد. همچنین عموم مردم تحت شرایط جنگی گرفتار گرانی و فقر و بی تأمین غذایی و داروئی و بی آبی و بی برقی بی سابقه شده اند. باید امنیت جان و زندگی همه مردم در هر شرایطی چه در شرایط جنگی و غیر جنگی توسط حکومت تأمین شود.

ما مردم باید این ابتدائی ترین و ضروری ترین خواست خود را با قدرت اتحاد و اعتراض بر جمهوری اسلامی تحمیل کنیم و اجازه ندهیم با لفاظی های حيله گرانه "نه جنگ، نه صلح" یا "هم جنگ، هم مذاکره" ما را در حالت انفعال و چشم انتظار نگه دارند و جان و زندگیمان را قربانی جنگ افروزی های خود کنند.

شعار "جنگ افروزی کافیه، سفره ما خالیه" را به یک شعار سراسری در هر تجمع اعتراضی خود تبدیل کنیم و از این طریق لفاظی های سران رژیم در مورد جنگ و مذاکره و صلح را بی اثر کنیم.

بیش از یک سال است که جمهوری اسلامی دو جنگ بر جامعه تحمیل کرده و حدوداً ۵ ماه است چرخه جنگ و آتش بس را ادامه می دهد که در نتیجه آن، بازهم مردم عادی متحمل آسیب های جانی و مالی می شوند. در این مدت باوجود آنکه انسان های زیادی قربانی جنگ افروزی ها و جنگ طلبی های رژیم شده و جان خود را از دست داده یا دچار نقص عضو شده اند، بسیاری خانه و سرپناه شان ویران شده است و صدها هزار کارگر شغل خود را از دست داده و خیلی از کسب و کارها نابود شده اند. برای مثال بخش اعظم کارگرانی که به خاطر بمباران کارخانه ها و مراکز تولیدی بیکار شده اند هنوز موفق به دریافت مقرری بیمه بیکاری از سازمان تأمین اجتماعی نشده اند، و همچنین کاسبان خرد و ده ها هزار نفر دیگری که از طریق فعالیت های اینترنتی کسب معاش می کردند، حالا ورشکسته یا امکان فعالیت درآمدزایی را از دست داده اند. سران رژیم تاکنون از اعلام صریح شرایط جنگی در کشور و تأمین بودجه برای این همه خسارات تحمیل کرده بر جامعه خودداری کرده اند. این در حالی است که خود به بهانه شرایط جنگی بساط دزدی و غارت های شان را پهن تر کرده و برای نیروهای سرکوب و ماشین جنگی و مراسم جنازه چرخانی و دیگر مراسمات حکومتی بودجه های هزاران میلیارد تومانی تأمین می کنند.

دزدان و قاتلان حکومتی در این مدت هیچ وقت به طور شفاف از جنگی بودن شرایط کشور صحبت نکرده و شهادانه همیشه از شرایط "نه جنگ نه صلح" گفته اند و مدتی است که از "هم جنگ، هم مذاکره" می گویند. دلیل این مبهم گویی ها با کارکرد دوگانه برای ما مردم واضح است. این رژیم بر دریای خشم و نفرت عمومی و اجتماعی قرار گرفته و بارها تا لبه سرنگونی رانده شده است. بنابراین طبیعی است که در شرایط جنگی نه تنها از جان و اموال مردم حفاظت نکنند، بلکه آسیب دیدگان و خسارت دیدگان جنگی و همه جامعه گرفتار در گرانی و ناامنی را به حال خود رها کند، و بر این اساس است که واضح اعلام نمی کند شرایط جنگی است. اما اکنون به خاطر به پیش بردن سیاست ها و برنامه های سرکوبگرانه اش از طریق میلیتاریزه کردن و امنیتی کردن شهرها و سرعت بخشیدن به ماشین قتل و اعدام برای مهار اعتراضات، جنگی اعلام کردن شرایط کشور کارآمدترین بهانه است و در نتیجه دارند از شرایط جنگی حرف می زنند.

از طرف دیگر سران دزد و چپاولگر این حکومت که اینچنین در قبال جان و مال مردم لاقید و بی مبالا هستند، برای حفظ امنیت خود سالیان متمادی با صرف بودجه های صدها و هزاران هزار میلیارد تومانی مشغول ساخت تونل ها و پناهگاه های زیر زمینی بوده و به قول علی خضریان نماینده مجلس اسلامی، شهرهای حکمرانی زیر زمینی مخصوصاً در تهران ساخته اند (بگذریم از اینکه بازهم توانستند جان رهبر و خیلی از مهره های سیاسی و نظامی شان را در برابر حملات اسرائیل حفظ کنند)، و حالا هم تا آنجا که موضوع حفظ امنیت خودشان به میان می آید، لازم می بینند شرایط را جنگی اعلام کنند.

علی خضریان تازگی گفته: "با توجه به اینکه جنگ ادامه خواهد یافت، در سطح استان های کشور و خصوصاً مراکز استان ها نیاز به ساخت شهرهای حکمرانی داریم. به این معنا که در زمان تجاوز دشمن به کشور بتوانیم مدیران و مسئولان کشور را در زیر زمین و در دل کوه از ترور ایمن نگه داریم ... در چنین شرایطی باید بودجه



یورش نیروهای گارد به بند هفت اوین و اعتراض زندانیان و اخباری دیگر



جهاد کشاورزی تجمع کردند.

تجمع اعتراضی بازنشستگان شرکت پارس خودرو

روز گذشته دهم مرداد ماه حدود ۸۰۰ الی ۹۰۰ نفر از بازنشسته های شرکت پارس خودرو در اعتراض به تعویق مطالبات مزدی خود از جمله حق سنواتشان مقابل درب اصلی شرکت سایپا تجمع کردند.

تجمع جوانان جویای کار مقابل پالایشگاه لیشر گچساران

روز ۱۰ مرداد گروهی از جوانان جویای کار منطقه بویراحمد گرمسیر، در اعتراض به تبعیض در جذب نیرو و با مطالبه کار ابتدا مقابل پالایشگاه لیشر و سپس فرمانداری گچساران تجمع کردند.

اجرای عدالت در استخدام، شفافیت در روند جذب نیرو و پایان دادن به تبعیض، بر حق اشتغال جوانان منطقه خواست فوری این تجمع کنندگان است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۱ مرداد ۱۴۰۵، ۲ اوت ۲۰۲۶

یورش نیروهای گارد به بند ۷ زندان اوین و اعتراض زندانیان

بنا بر خبرهای منتشر شده صبح شنبه دهم مردادماه نیروهای گارد زندان به سالن محل نگهداری زندانیان سیاسی در بند ۷ زندان اوین یورش بردند. در جریان این حمله دهمشانه شش زندانی سیاسی به اسامی امیرحسین مرادی، احسان رستمی، رامین رستمی، پژمان توبره‌ریزی، مجتبی تقوی و افشین حیرتیان مورد ضرب و جرح قرار گرفته و سپس به مکان دیگری منتقل گردیدند. پس از انتقال این شش زندانی، سایر زندانیان بند ۷ در اعتراض به این اقدام وحشیانه تجمع کردند و با سر دادن شعار صدای اعتراضشان را بلند کردند.

بنا بر گزارشات در جریان این عملیات، معاون سلامت زندان، رئیس گارد، معاون حفاظت، معاون گارد، رئیس بازرسی و رئیس اندرزگاه ۷، به همراه شمار زیادی از نیروهای گارد حضور داشته و برخی از این زندانیان در جریان این ضرب و شتم مجروح شدند و لباس هایشان نیز پاره شده است.

طبق آخرین گزارشات این شش زندانی به سالنهای جداگانه در بند هفت زندان اوین منتقل شده اند. و فضای بند همچنان متشنج است و نگرانی‌ها درباره وضعیت جسمانی و محل نگهداری این شش زندانی ادامه دارد.

زندانیان سیاسی جانشان در خطر است. با اعتراضات سراسری برای باز کردن زندانها تلاش کنیم. تمامی زندانیان سیاسی و معترضین در بند باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند

تجمع اعتراضی مرغداران فارس مقابل جهاد کشاورزی

امروز یکشنبه یازدهم مرداد ماه جمعی از مرغداران استان فارس در اعتراض به مشکلات صنعت مرغداری و وضعیت بد معیشتی خود در مقابل ساختمان سازمان

۶ مرداد : تجمع پرستاران بیمارستان امام خمینی تهران و اخباری دیگر

تجمع پرستاران بیمارستان امام خمینی تهران

روز دوشنبه ۵ مرداد پرستاران بیمارستان امام خمینی تهران در اعتراض به معضلات معیشتی و شغلی و پایین بودن سطح دستمزدها در محوطه بیمارستان تجمع کردند. بیانیه شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران تحت عنوان "فوران خشم پرستاران!" که در روز گذشته منتشر شده فضای اعتراض در میان پرستاران را بیان میکند. در بخشی از این بیانیه چنین آمده است: "ما پرستاران و کادر درمان بعد از گذشت سالها مطالبه گری و حق خواهی همچنان در قعر حقوقهای دریافتی هستیم. با وجود مسئولیت شغلی بالا به لحاظ اجتماعی در بدترین شرایط حقوقی قرار داریم. وعده ها و طرح های مقامات پوچ شدند و فقط منجر به تکه پاره شدن دستمزدها برای فرار از پرداخت آن شده است. حق تعرفه و فوق العاده خاص و کارانه هیچکدام نتوانسته وضعیت شغلی معیشتی ما را بهبودی بخشد. معوقات پرداختی ما به ده ماه می رسد که با وجود ابر تورم موجود باید به هفت برابر قیمت پرداخت شود. جواب اعتراض و اعتصاب را با تهدید و ارباب و بدهنی مقامات پاسخ گرفته ایم. مافیای بهداشت و درمان که از قبل کار مفت و ارزان ما سودهای نجومی به جیب میزنند در تدارک ایجاد فرصت های تولید نیروی ارزاتر آموزش پرستاری یکساله برای مقابله با اعتراضات ما هستند. نابودی شغل پرستاری به معنی پایان دادن به ساختار بهداشت و درمان برای همه مردم است. ما تحمل نخواهیم کرد!"

این شورا در بیانیه خود ضمن تاکید بر اعتراضات سراسری، حمایت خود را از گسترش اعتراضات به صورت سراسری بیرون از فضای بیمارستانها اعلام کرده است.

اعتراض شهروندان کرمان به کاهش سهمیه بنزین

امروز ششم مرداد ماه همزمان با اجرای مصوبه جدید کاهش سهمیه بنزین از ابتدای مردادماه، شماری از شهروندان در کرمان دست به تجمع اعتراضی زدند. طبق گزارشات بر اساس مصوبه جدید، سهمیه ماهانه خودروهای سواری به ۱۱۰ لیتر کاهش یافته که شامل ۶۰ لیتر بنزین با نرخ اول و ۵۰ لیتر با نرخ دوم است. هر افزایش قیمتی مستقیماً بر افزایش قیمت دیگر اجناس زندگی تاثیر میگذارد و در شرایطی که هزینه های زندگی و حمل و نقل بشدت افزایش یافته است، کاهش سهمیه بنزین فشاری بیشتر بر رانندگان است که این افزایش به شغل و درآمدشان مربوط میشود و همچنین فشار به همه مردم است.

تجمع اعتراضی متقاضیان مسکن ملی در زنجان

متقاضیان طرح مسکن ملی در زنجان در اعتراض به بلاتکلیفی در تأمین و تخصیص زمین برای متقاضیان و خلف وعده ها دست به تجمع زدند. به گفته معترضین طبق وعده مدیر کل راه و شهرسازی زنجان مقرر بوده که تخصیص زمین تا خرداد ماه سال جاری انجام گیرد. طرحهای مسکن بخشی از طرح های چپاول و دزدی حاکم در همدستی با دار و دسته های حکومتی است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۶ مرداد ۱۴۰۵، ۲۸ ژوئیه ۲۰۲۶



۱۱ مرداد: تجمعات اعتراضی بازنشستگان در شهرهای مختلف

امروز یازدهم مرداد ماه بازنشستگان تامین اجتماعی و در برخی شهرها بازنشستگان مخابرات و در جاهایی بصورت مشترک در اعتراض به تعویق پرداخت مطالبات مزدی خود، خلف وعده ها، وخامت بیشتر وضع معیشتی تجمع و اعتراض کردند. بازنشستگان در این تجمعات علیه جنگ افروزی های حکومت و بساط سرکوب و اعدام و اختلاسگری های حاکم در شهرهای مختلف نیز شعار دادند و اعتراض کردند. در این روز تجمعات بازنشستگان تامین اجتماعی در شوش، کرمانشاه، تهران، و رشت و تجمعات بازنشستگان مخابرات در مشهد، اردبیل، کرمانشاه، تهران، و اهواز برگزار شدند.

در شوش بازنشستگان از کرخه و شوش و هفت تپه در دمای ۵۰ درجه خوزستان با فریاد "قطر کف خیابان بدست میاد حقمون" تجمع و راهپیمایی داشتند. در این حرکت اعتراضی این بازنشستگان بر لزوم شفاف سازی درباره پرونده تحقیق و تفحص از شستا و اختلاسگری های پشت پرده تأکید کردند. دیگر شعارهای بازنشستگان معترض در شوش عبارت بودند از: "تورم اسفناک حاکم شده تو بازار"، "خیابان خیابان سنگر زحمتکشانش"، "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست"، "بازنشسته داد بزن، حق تو فریاد بزن"، "اعتراض، اعتراض، علیه فقر و فساد"، "ظلم و ستم فراوان ما را کشاند خیابان"، "حسین حسین شعارشون، دروغ و دزدی کارشون!".

در تهران بازنشستگان تامین اجتماعی و معلمان بازنشسته با هم تجمع داشتند. تجمع کنندگان با فریاد "مسئول بی لیاقت، استعفاء استعفاء" پیگیر مطالباتشان شدند و برای آزادی دو معلم زندانی رضا امانی فر و هاشم خواستار شعار اعتراضی سر دادند.

افزایش واقعی مستمری ها متناسب با نرخ تورم (هم اکنون صحبت از نرخ سبد معیشتی ۱۵۰ میلیونی است)، اجرای کامل همسان سازی حقوق و پرداخت فوری تمام معوقات سال های گذشته، تسویه بدهی های انباشته شده دولت به سازمان تامین

اجتماعی و درمان رایگان خواستهای فوری سراسری این بازنشستگان است. در این روز در تهران بازنشستگان مخابرات نیز مقابل اداره کل مخابرات تجمع کرده اعتراض خود را علیه طرح جدید بیمه تکمیلی و محرومیت دارو و درمان، و اختلاسگریهای سهامداران عمده شرکت بلند کردند. در کرمانشاه بازنشستگان مخابرات همراه با بازنشستگان تامین اجتماعی تجمع کرده بودند و با شعار "بازنشسته داد بزن، حق تو فریاد بزن" پیگیر مطالباتشان شدند.

در رشت بازنشستگان تامین اجتماعی مقابل اداره کل تامین اجتماعی گیلان تجمع کردند. یک شعار برجسته این بازنشستگان "نه به اعدام، نه به اعدام، نه، نه، نه" بود و دیگر شعار های آنها عبارت بودند از: جنگ افروزی کافیه، سفره ما خالیه، "آزادی معلم زندانی، درود بر فرهیخته"، "کارگر زندانی، آزاد باید گردد"، "معترض زندانی، آزاد باید گردد".

بازنشستگان صدای اعتراض کل جامعه علیه فقر و بی تأمین، تبعیض و نابرابری، اختلاسگری های حاکم و جنگ افروزی های حکومت و اعدام و کشتار حکومت هستند. از مبارزاتشان حمایت کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۱ مرداد ۱۴۰۵، ۲ اوت ۲۰۲۶

عفو بین الملل: موج اعدام معترضان در ایران ابزاری برای سرکوب و ارعاب است

این سازمان همچنین نسبت به اجرای قانون جدید موسوم به «تشدید مجازات جاسوسی و همکاری با رژیم صهیونیستی و دولت های متخاصم» هشدار داده و آن را ابزاری برای جرم انگاری فعالیت های مسالمت آمیز شهروندان دانسته است. به گفته عفو بین الملل، انتشار فهرست بیش از ۴۰۰ فرد و نهاد به عنوان «متخاصم» می تواند دامنه پیگرد و صدور احکام اعدام را بیش از پیش گسترش دهد.

در پایان گزارش، عفو بین الملل از جامعه جهانی خواسته است با اقدام های هماهنگ دیپلماتیک، جمهوری اسلامی را به توقف فوری اجرای احکام اعدام وادار کند. این سازمان همچنین خواستار تعلیق همه اعدام های در دست اجرا، ایجاد سازوکار مستقل بین المللی برای رسیدگی به وضعیت ایران و ارجاع پرونده جمهوری اسلامی به دیوان کیفری بین المللی شده است.

سازمان عفو بین الملل در گزارشی تازه هشدار داده است که جمهوری اسلامی با تشدید اجرای احکام اعدام، از این مجازات به عنوان ابزاری برای سرکوب معترضان و ایجاد فضای رعب استفاده می کند. به گفته این سازمان، پس از اعدام علنی دو معترض و دست کم سه معترض دیگر در روزهای اخیر، دست کم ۶۰ نفر دیگر نیز با خطر اعدام روبه رو هستند که سه نفر از آنان هنگام بازداشت کودک بوده اند.

طبق این گزارش از ابتدای سال ۲۰۲۶ تاکنون دست کم ۲۶ نفر در ارتباط با اعتراضات دی ماه ۱۴۰۴ اعدام شده اند و ده ها نفر دیگر نیز با اتهام های امنیتی و سیاسی در معرض صدور یا اجرای حکم اعدام قرار دارند. عفو بین الملل همچنین از افزایش استفاده از اتهام هایی مانند «جاسوسی»، «مبارزه با او»، «افساد فی الارض» برای تعقیب معترضان خبر داده است.

جمهوری اسلامی سرنگون!



تجمع پاکبانان بابل، پتروشیمی تخت جمشید، گروه ملی فولاد، معدن آهن، کارکنان دو بیمارستان ایرانشهر، و خاکسپاری سروش کرمی در سنقر

تجمع اعتراضی کارگران شهرداری بابل

روز هشتم مرداد ماه جمعی از پاکبانان شاغل در شهرداری بابل استان مازندران با خواست پرداخت دستمزدهای معوقه و حذف شرکت های واسطه ای و پرداخت مستقیم حقوق و مزایای خود از شهرداری تجمع کردند. به گفته کارگران دستمزدی که آنها در برابر ساعت ها کار در خیابان، در تاریکی شب، در سرما و گرما دریافت می کنند، بسیار ناچیز و معمولاً با تاخیر و از مسیر واسطه ها عبور میکند و آنها به این وضعیت اعتراض دارند.

تجمع کارگران اخراجی پتروشیمی تخت جمشید ماهشهر

روز گذشته هفتم مرداد ماه ده ها نفر از کارگران اخراجی پتروشیمی تخت جمشید در ماهشهر به همراه اعضای خانواده خود برای دومین روز متوالی در مقابل این مجتمع تجمع کردند و خواستار بازگشت به کار تمامی کارگران اخراجی و تضمین امنیت شغلی برای سایر کارکنان شرکت شدند. این کارگران بین ۵ تا ۱۴ سال سابقه کار دارند و اکنون بعد از سال ها کار در شرایط سخت، گرمای شدید و آلودگی شیمیایی این مجتمع بدون امنیت شغلی با حکم اخراج مواجه شده اند.

تجمع کارگران معدن آهن آریانا داوران

روز ۶ مرداد کارگران معدن آهن آریانا داوران رفسنجان در اعتراض به مشکلات معیشتی و شغلی خود مقابل فرمانداری رفسنجان تجمع کردند. مطالبات فوری این کارگران عبارتند از: پرداخت مطالبات معوقه، تعیین تکلیف حق بیمه، و بازگشت به کار کارگرانی که از پایان اردیبهشت ماه تاکنون در بلا تکلیفی به سر می برند. طبق گزارشات فعالیت این معدن از پایان اردیبهشت ماه متوقف شده و حدود ۹۰ نفر از کارگران با وعده تعطیلی موقت یک هفته ای و آغاز دوباره کار با حقوق و مزایای جدید، از محل کار خود کنار گذاشته شده اند. این کارگران حقوق اردیبهشت، سنوات و مابه التفاوت افزایش حقوق فروردین ماه و حق بیمه تامین اجتماعی ماه های فروردین و اردیبهشت خود را طلب دارند.

تجمع کارگران اخراجی شرکت گروه ملی فولاد ایران

روز گذشته هفتم مرداد ماه کارگران اخراجی شرکت گروه ملی فولاد ایران در اهواز در اعتراض به اخراج خود از کار مقابل استانداری این شهر تجمع کردند. طبق گزارشات این کارگران پیش از جنگ ۱۲ روزه خردادماه ۱۴۰۴ پس از اعتراضات و دریافت وعده هایی مبنی بر بازگشت به کار، مجدداً مشغول به کار شده بودند. با این حال، پس از آرام شدن اوضاع، به آنها اعلام شد که دیگر به وجودشان نیازی نیست و باید به خانه های خود بازگردند و مزد مربوط به این دوره نیز پرداخت نشده است. این کارگران از یکسال پیش که حکم اخراج گرفته اند مزدی دریافت نکرده اند. بارها دست به اعتراض زده و پاسخی نگرفته اند. خواست آنها بازگشت فوری به کار و پرداخت معوقات مزدی شان است.

تجمع کادر درمان بیمارستان های ایران و خاتم الانبیا ایرانشهر

روز ۷ مرداد کادر درمان و پرسنل بیمارستان های ایران و خاتم الانبیا در شهرستان ایرانشهر در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات و مزایای معوقه خود و تداوم و تشدید مشکلات معیشتی شان و خلف وعده ها دست به تجمع زدند. طبق گزارشات مطالبات کارکنان این دو بیمارستان طی سه ماه اخیر پرداخت نشده و این موضوع فشار اقتصادی زیادی بر پرسنل وارد کرده است.

مراسم گرامیداشت سروش کرمی با حضور گسترده مردم

روز ۷ مرداد مراسم خاکسپاری سروش کرمی نوجوان هجده ساله اهل سنقر از جانب خستگان دیماه ۱۴۰۴ که پس از هفت ماه پیکرش پیدا شده، با حضور گسترده مردم خشمگین برگزار شد و پیکر وی در لنجاب از توابع سنقر به خاک سپرده شد. مراسم های پرجمعیت گرامیداشت جانبختگان پاسخ محکمی به جانان اسلامی است. حکومت اسلامی در دیماه ۱۴۰۴ تنها در دو روز هزاران نفر را به قتل رساند و امروز جامعه میلیونی مردم دادخواه هستند. خواست مردم محاکمه تک تک سران این حکومت بخاطر این قتل عام و تمام جنایاتشان است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۸ مرداد ۱۴۰۵، ۳۰ ژوئیه ۲۰۲۶

**به حزب کمونیست کارگری
بپیوندید!**

کارگر کمونیست

تلگرام: @wpi_tamas

۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

tamas.wpi@gmail.com

مسئولیت مطالب با نویسندگان
انهاست. درج مقالات در کارگر
کمونیست لزوماً به معنی تأیید
مضمون آنها از جانب نشریه نیست

پیش بسوی اعتصابات سراسری!



شرکت شدند.

- کارگران اخراجی شرکت گروه ملی فولاد ایران در اهواز در اعتراض به اخراج خود از کار مقابل استانداری این شهر تجمع کردند.

- کادر درمان و پرسنل بیمارستانهای ایران و خاتم الانبیا در شهرستان ایرانشهر در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات و مزایای معوقه خود و تداوم و تشدید مشکلات معیشتی شان و خلف وعده ها دست به تجمع زدند.

- مراسم خاکسپاری سروش کرمی نوجوان هجده ساله اهل سنقر از جانبازان دیماه ۱۴۰۴ که پس از هفت ماه پیکرش پیدا شده، با حضور گسترده مردم خشمگین برگزار شد و پیکر وی در لنجان از توابع سنقر به خاک سپرده شد.

سه شنبه ۶ مرداد

- سحرگاه ششم مرداد ماه صحنه اعدام دو نفر از بازداشت شدگان خیزش دیماه ۱۴۰۴ ابوالفضل سپاهی بادیجانی و امیرحسین صفری حسین آبادی، در "میدان علیجانی" اصفهان، در ملاعام به صحنه اعتراض جمع قابل توجهی از مردم اصفهان تبدیل شد. حمایت تمام قد مردم شب بیدار اصفهان و آنچه در این شب در اصفهان اتفاق افتاد، خطراتی جدی به حکومت برای چشم انداز انفجار خشم معنوم مردم علیه جلادان است.

- کارگران معدن آهن آریانا داوران رفسنجان در اعتراض به تعویق پرداخت دستمزدها و اخراجها مقابل فرمانداری رفسنجان تجمع کردند.

- اعتصاب ۱۵۰۰ زندانی واحد ۲ زندان قزلحصار کرج پس از ۱۶ در پی وعده مسئولان قضایی مبنی بر توقف اجرای احکام اعدام زندانیان محکوم به جرائم مواد مخدر، پایان یافت. جمهوری اسلامی زیر فشار اعتصاب این زندانیان و تحرک گسترده ای که علیه اعدام و در حمایت آنان شکل گرفت ناگزیر به دادن چنین وعده ای شد.

- کارزار سه شنبه های نه به اعدام در ۵۹ زندان کشور جریان داشت و در همین روز جمعی از معترضین به اعدام علیه حکم اعدام در مقابل زندان لاکان رشت تجمع کردند.

- کارگران رسمی در حوزه عملیاتی پارس یک (عسلویه) و سکوهای دریایی نفت و گاز پارس در ادامه اعتراضات قبلی خود علیه سقف حقوق و دیگر تعرضات معیشتی به زندگی خود و بی پاسخ ماندن مطالبات اعلام شده شان، با در دست گرفتن بنرهای دست به تجمع زدند.

- همزمان با اجرای مصوبه جدید کاهش سهمیه بنزین از ابتدای مردادماه، شماری از شهروندان در کرمان دست به تجمع اعتراضی زدند.

- متقاضیان طرح مسکن ملی در زنجان در اعتراض به بلاتکلیفی در تأمین و

کارگر در هفته ای که گذشت

تنظیم کننده: کارگر کمونیست

دوشنبه ۱۲ مرداد

- گروهی از کارگران واحد تعمیر و نگهداری پتروشیمی سلمان فارسی ماهشهر در اعتراض به اخراج ناگهانی از کار و بلاتکلیفی شغلی و مشکلات معیشتی مقابل ساختمان محل کار و فرمانداری ماهشهر تجمع کردند و خواستار بازگشت به کارشان شدند.

- کارگران شرکت «کیش چوب» اعتراض خود را به تعیق پرداخت مزد و حق بیمه شان رسانه ای کردند.

یکشنبه ۱۲ مرداد

- بازنشستگان تامین اجتماعی و بازنشستگان مخابرات در اعتراض به تعویق پرداخت مطالبات مزدی، خلف وعده ها، وخامت بیشتر وضع معیشتی تجمع و اعتراض کردند. در این روز تجمعات بازنشستگان تامین اجتماعی در شوش، کرمانشاه، تهران، و رشت و تجمعات بازنشستگان مخابرات در مشهد، اردبیل، کرمانشاه، تهران، یاسوج، تبریز و اهواز برگزار شدند.

- جمعی از مرغداران استان فارس در اعتراض به مشکلات صنعت مرغداری و وضعیت بد معیشتی خود در مقابل ساختمان سازمان جهاد کشاورزی تجمع کردند.

شنبه ۱۰ مرداد

- نیروهای گارد زندان به سالن محل نگهداری زندانیان سیاسی در بند ۷ زندان اوین یورش بردند. در جریان این حمله دهمشانه شش زندانی سیاسی به اسامی امیرحسین مرادی، احسان رستمی، رامین رستمی، پژمان توبره ریزی، مجتبی تقوی و افشین حیرتیان مورد ضرب و جرح قرار گرفته و سپس به مکان دیگری منتقل گردیدند. پس از انتقال این شش زندانی، سایر زندانیان بند ۷ در اعتراض به این اقدام وحشیانه تجمع کردند و با سر دادن شعار صدای اعتراضشان را بلند کردند.

- حدود ۸۰۰ الی ۹۰۰ نفر از بازنشسته های شرکت پارس خودرو در اعتراض به تعویق مطالبات مزدی خود از جمله حق سنواتشان مقابل درب اصلی شرکت سایپا تجمع کردند.

- گروهی از جوانان جویای کار منطقه بویراحمد گرمسیر، در اعتراض به تبعیض در جذب نیرو و با مطالبه کار ابتدا مقابل پالایشگاه لیشر و سپس فرمانداری گچساران تجمع کردند.

جمعه ۹ مرداد

- جمعی از کارگران پیمانکاری شهرداری گرگان در استان گلستان اعتراض خود را به تاخیر پرداخت مطالبات مزدی و سنواتی شان رسانه ای کردند.

پنجشنبه ۸ مرداد

- جمعی از پاکبانان شاغل در شهرداری بابل استان مازندران با خواست پرداخت دستمزدهای معوقه و حذف شرکت های واسطه ای و پرداخت مستقیم حقوق و مزایای خود از شهرداری تجمع کرد.

چهارشنبه ۷ مرداد

دهها نفر از کارگران اخراجی پتروشیمی تخت جمشید در ماهشهر به همراه اعضای خانواده خود برای دومین روز متوالی در مقابل این مجتمع تجمع کردند و خواستار بازگشت به کار تمامی کارگران اخراجی و تضمین امنیت شغلی برای سایر کارکنان



ابوالفضل سپاهی و امیرحسین صفری را در برابر چشم مردم اعدام کردند! درگیری مردم با جلادان

سحرگاه امروز ششم مرداد ماه جلادان جمهوری اسلامی با پخش صدای اذان منحوس شان ابوالفضل سپاهی بادیجانی و امیرحسین صفری حسین آبادی، دو تن از بازداشت‌شدگان خیزش دیماه ۱۴۰۴ را در ارتباط با پرونده موسوم به "میدان علیجانی" اصفهان، به صورت علنی در ملأعام و در همین میدان اعدام کردند. هشت نفر دیگر از این متهمان این پرونده جانشان در خطر است و از وضعیت علیرضا سپاهی، دیگر متهم این پرونده، اطلاعی در دست نیست. مرگ بر حکومت آدمکش اسلامی!

جمهوری اسلامی که زندگی و بقایش را با این اعدامها تعریف کرده است و بشدت از مقابله مردم وحشت دارد، برای اجرای حکم اعدام این دو جوان تجهیزات امنیتی بسیاری را مهیا کرده بود و از ساعات آخر شب گذشته نیروهای جنایتکار امنیتی در محل اجرای حکم مستقر شده بودند. در مقابل علیرغم فضای امنیتی شدید و مستقر شدن تک تیراندازها در بالای پشت بامهای اطراف محل، خانواده های محکومین به اعدام پرونده میدان علیجانی در همراهی با جمعیت قابل توجهی از جوانان و مردم آزاده و شجاع اصفهان در ساعت سه و نیم شب برای ممانعت از بدار آویختن این دو جوان معترض در محل حاضر شده و با سرکوبگران درگیر شدند. فریاد بیشرف، بیشرف و هو کردن جلادان توسط جمعیت بلند بود. با حمله نیروهای امنیتی جمعیت را متفرق کردند و ابوالفضل سپاهی بادیجانی و امیرحسین صفری حسین آبادی متأسفانه به دار آویخته شدند. طبق گزارشات در جریان این درگیریها چندین نفر مجروح و بازداشت شده اند. برای آزادی دستگیر شدگان باید فعالانه تلاش کرد. جان باختن امیر حسین و ابوالفضل را به خانواده و دوستانشان و همه مردم تسلیت میگوییم. فضای شهر اصفهان ملتهب است و مردم بسیار خشمگینند.

مردم دادخواه با اعتراض شجاعانه شب گذشته خود نشان دادند که ساکت نخواهند ماند. حمایت تمام قد مردم شب بیدار اصفهان و آنچه در شب گذشته در این شهر اتفاق افتاد، خطاری جدی به حکومت برای چشم انداز انفجار خشم

محکوم مردم علیه جلادان است. خودشان نیز در نزاعهای درونی شان هشدارش را داده اند.

بیش از ۷۰ نفر از معترضان دیماه ۱۴۰۴ به اعدام محکوم شده اند که اکثریتشان جوان و نوجوانان معترض به فقر و بساط جهنمی جمهوری اسلامی هستند. با اعتراضات سراسری چوبه های دار را باید در هم شکست و به اعدامها پایان داد.

گفتنی است که جنبش علیه اعدام هر روز قدرتمند تر جلو میرود. تظاهرات مردم اصفهان در شب گذشته، اعتصاب زندانیان قزلحصار و حمایت های گسترده از این اعتصابات که از ۲۲ تیر ماه آغاز شده است، و فریاد شعارهای نه به اعدام در کف خیابانها در تظاهراتهای بازنشستگان نمادهایی از قدرت گیری این جنبش است که با فوران بیشتر خود، بساط کل حکومت را جمع خواهد کرد. کارزار سه شنبه های نه به اعدام که امروز ۱۳۱ امین هفته خود را در ۵۹ شهر پشت سر گذاشت بیانیه هفتگی خود را با اعلام حمایت از زندانیان اعتصابی در قزلحصار اعلام کرده است. با تمام قدرت به این جنبش پیوندیم.

حزب کمونیست کارگری ایران
۶ مرداد ۱۴۰۵، ۲۸ ژوئیه ۲۰۲۶

اصفهان، تبریز و بیجار برگزار شدند.

- متقاضیان مالباخته مسکن ملی اراک بار دیگر در مقابل اداره راه و شهرسازی اراک دست به تحصن زدند و اعلام کردند که تا زمان روشن شدن تکلیف نهایی پروژه و دریافت پاسخ مشخص، به تحصن خود ادامه خواهند داد.

- دو تشکل کارگری شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت و ارکان ثالث طی بیانیه ای مشترک علیه اعدام با اعلام دادخواهی کشته شدگان اعتراضات جنبش زن، زندگی، آزادی و اعتراضات دی ماه ۱۴۰۴ و پیش از آن، تمامی کارگران بخشهای مختلف اقتصادی را در برابر خونریزی و اعدام و جنگ افروزی اقلیت مفتخور حاکم به اعتصاب و تعطیلی مراکز چپاول حکومت فراخواندند. این بیانیه با کلام نه به اعدام، آری به زندگی، معیشت منزلت حق مسلم ماست پایان میدهند.

از صفحه ۱۱

کارگران در هفته ای که...

تخصیص زمین برای متقاضیان و خلف وعده ها و اختلاسگریها دست به تجمع زدند.

دوشنبه ۵ مرداد

- پرستاران بیمارستان امام خمینی تهران در اعتراض به معضلات معیشتی و شغلی و پایین بودن سطح دستمزدها در محوطه بیمارستان تجمع کردند.

- بازنشستگان مخبرات در اعتراض به وخامت هر روز وضعیت معیشتی خود و سونامی گرانی و علیه چپاولگریهای سهامداران عمده این شرکت دست به تجمع و اعتراض زدند. این تجمعات امروز در شهرهای سنندج، تهران، کرمانشاه، همدان،

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!